



نگاه

فغانی، واقعیت‌ها را به مردم بگوید



مدیریت حاکم در فوتبال ایران به هیچ عنوان کار خود را به درستی انجام نمی‌دهد. این که امروز علیرضا فغانی اعلام می‌کند هیچ‌گونه حمایتی از او صورت نمی‌گیرد و هنوز پادشاه قضاوت فینال المپیک را بعد از گذشت نزدیک به یکسال‌ونیم به او پرداخت نکرده‌اند، ناراحت‌کننده‌و واقعیت تلخ فوتبال ایران است. مناسفانه در سیستمی که هنوز نتوانسته تصمیم درستی درباره تمان داوری و کمیته‌داوران بگیرد، نباید انتظار کار خاصی داشت.
داوران زحمتکش ما هم به هیچ عنوان در سیستم این فوتبال جایگاهی ندارند و در زمینه مالی هم کمترین درآمد را دارند و فدراسیون سال‌های سال است که وعده افزایش دستمزد آنها را داده اما این طرح‌را عملی نکرده‌است.

اگر علیرضا فغانی امروز اعتراضی می‌کند، به این دلیل است که بهترین داور ایران و آسیاست و افتخارات بزرگی به همراه تیم داوری خود رقم زده و مسئولان نمی‌توانند بیه او هم بگویند که ساکت باشد. بقیه داوران مناسفانه چراغ‌های جز سکوت کردن ندارند و اگر کوچکترین اعتراضی داشته باشند، به راحتی از سوی مسئولان حذف خواهند شد و دیگر به آنها قضاوتی نمی‌دهند. ضمناً امروز فغانی از شرایط نارضایتی است و در گذشته هم سایر بزرگان داوری دلخوری‌هایی داشتند. داوران جوان‌تری می‌بینند که مسئولان این فوتبال برای فغانی که شانس زیادی برای قضاوت در مراحل حساس جام جهانی را دارد و فینال تورنمنت‌های بزرگ بین‌المللی را سوت‌زده‌تر هم خرد نمی‌شود و طبیعی است که نسبت به آینده خودشان بدبین باشند. مگر برای شخص بنده که در فینال جام جهانی هم کمک‌داور بودم، مسئولان این فوتبال چه کار کردند که برای سایر داوران انجام دهند؟

با تمام این حرف‌ها، فغانی به نمایندگی از جامعه مظلوم داوری باید واقعیت‌ها را بشکود. باید حرف‌زبند تا مردم بدانند چه ظلمی به جامعه داوری از سوی مسئولان در این فوتبال می‌شود. داوری ما همیای فوتبال در تمام این سال‌ها حرکت کرده و افتخارات بسیار بزرگی هم برای این فوتبال به ارمغان آورده است. الان علیرضا فغانی برای قضاوت در فینال جام جهانی انتخاب شده و او نماینده ایران در بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبال جهان است. منتهی ما می‌بینیم که حتی یک تشکر کوچک و خالی از او نمی‌شود حتی یک برنامه‌ردوی داخلی یا خارجی هم برای او تدارک نمی‌بینند. اگر فغانی در هر کشور دیگری قضاوت می‌کرد و این افتخارات را رقم می‌زد، شک نکند سر تا پای او را طلا می‌گرفتند اما این‌جا کسی توجهی به فغانی و جامعه مظلوم داوری ندارد! جالب اینجاست که فدراسیون پول دارد، پادشاه مریبان و یازیکتان تیم ملی بزرگسالان را به داد به آنها بدهد اما برای تیم داوری نماینده ایران در جام جهانی بیش از یک‌سال است نتوانسته‌اند ۸ سکه پرداختی داشته‌باشند.



ورزش جهان

فیلیپ لام مرد سال فوتبال آلمان شد
فیلیپ لام در پایان فصل گذشته بعد از سال‌ها حضور در تیم ملی آلمان و باشگاه بایرن مونیخ وستن بازوبند کاپیتانی آن‌ها رسماً از دنیای فوتبال خداحافظی کرد. حالا نشره معتبر کیکر این مدافع بازنشسته را به عنوان مرد سال ۲۰۱۷ آلمان انتخاب کرده تا به نوعی از زحمات او قدر دانی کرده‌باشد.

حرکتی انسانی برای سنگربان عازاد فاینورد
هواداران فاینورد، یاد فرزند خردسال ۵ ساله درگذشته فرزند جونیئر، سنگربان تیم خود را زنده نگه داشتند. در حالی قیل و هنگامی که که برد جونز در لیورپول عضویت لو کافر زنده ۶ساله‌وی بعد از دست و پنجه نرم کردن با بیماری دشوار در گذشت و هواداران فاینورد داین هفته و در سالگرد درگذشت او، در دقیقه ۱۲ بازی فاینورد برابر فلنو، استانبولیم را نورانی کرده و یاد فرزند وی را گرامی داشتند. هواداران فاینورد با خواندن سرود «تو هرگز تنها قدم نخواهی زد» که شعار مشهور هواداران لیورپول است با دروازه‌بان تیم خود ایزز همدردی کردند.

ابتلا رییس افسانه‌ای ماریس به سرطان
برنارد تاپیه، رئیس مشهور و محبوب سابق باشگاه ماریس اعلام کرد که به سرطان معده مبتلا شده است. تاپیه بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ هدایت باشگاه ماریس را برعهده داشت و با این باشگاه، ۴ قهرمانی لیگ فرانسه و یک قهرمانی چمپیونز لیگ را به دست آورد. تاپیه در مصاحبه‌ای پیرامون این بیماری گفته است: «شیمی درمانی بسیار دشوار است. شاید مجبور شوم جراحی بزرگی انجام دهم. همچنین احتمالاً مجبور می‌شوم بخشی از معدام را بردارم. باید قبول کرد که مرگ نزدیک است. این یک مصیبت نیست یا می‌یرم یا می‌بازم، اما اتفاق دیگری رخ نخواهد داد».

اعلام گزینه‌های سسر مربیگری ملی ایتالیا
رئیس فدراسیون فوتبال ایتالیا اسامی کاندیداهای جانشینی ونتورا روی نیمکت آژوروی را اعلام کرد. تلو کوپو گفته است: «در حال حاضر تمام گزینه‌های مدنظر من حداقل تا ماه ژوئن سال آینده با تیم‌هایشان قرارداد دارند. قرارداد‌های چندمیلیون پوندی که پرداخت غرامت فسخ آن از عهده ما بر نمی‌آید. ما داریم به دنبال بهترین گزینه می‌گردیم، و وقتی من این‌را می‌گویم منظرم آنچلوتی، کوئنته، الگری، رابرتی و یوکی دیگر مانند مانچینی است. مایلیستی از گزینه‌ها داریم.»

پرورده‌ای برای فرزندان فوتبالیست‌های مشهور که نتوانستند پله‌های ترقی را سپری کنند

پزیر سایه پدر

◀ **آتیلا حجازی، اردلان آشتیانی و سجاد پنجعلی در گفت‌وگو با «شهرود» از مشکلات خود در دوران بازیگری صحبت کردند**

شهرود تاریخ فوتبال دنیا پر است از فوتبالیست‌هایی که نام بزرگ پدران خود را به دوش می‌کشند. قطعاً پسراتی که پدران آنها سال‌ها بر تارک فوتبال دنیا درخشیدند، بیشتر از افراد عادی عاشق دودیدن دنبال توپ در مستطیل سبز هستند. به همین دلیل است که فوتبال دنیا پسران زیادی را دیده که با نام پدران تاریخ‌ساز خود وارد فوتبال شدند. اگر چه تحلیل معروف درباره فرزندان ستارگان فوتبال این است که آنها همواره به دلیل نام پدر خود وارد دنیای فوتبال شدند و زیر سایه پدران خود قرار گرفتند.

همیشه فشار روحی زیادی به من وارد می‌شد

آتیلا: حجازی برای پسرش هم پارتی بازی نمی‌کرد

فرزند ارشد مرحوم ناصر حجازی، یکی از مشهورترین پسرهایی است که نتوانست مثل پدرش موفق شود. همان‌طور که اشاره شد، آتیلا در دو سالگی که پدرش سرمربی استقلال بود برای این تیم بازی کرد. او هم مثل بقیه بازیکنانی که با کمک پدرشان وارد فوتبال شدند و به دلیل فشارهای زیاد نتوانستند در این رشته به کار خود ادامه دهند از ناملایمتهای هاگه می‌کند. حجازی درباره ناگامی پسران پدراهای موفق در فوتبال ایران به «شهرود» می‌گوید: «یکی از بزرگترین مشکلاتی که سر راه پسران فوتبالیست‌ها قرار دارد، مقایسه شدن با پدران آنهاست. فوتبال ایران ستاره‌های زیادی نداشته و تعداد بازیکنانی که قابلیت‌های فنی بالایی داشتند، انگشت‌شمار بود. به همین دلیل نباید از فرزندان این بازیکنان انتظار داشت که کیبی برابر اصل پدران باشند. این اصلاً منصفانه نیست که از بازیکنی ۱۷،۱۸ساله انتظار داشته‌باشید مثل دوران لوچ خود بازی کند و بدرخشد. همین موضوع باعث می‌شود فشار روحی زیادی روی این بازیکنان باشد و حتی نتوانند قابلیت‌های فنی خود را بروز دهند، چه برسد به این که مثل پدران خود شوند. همین موضوع باعث شده ۹۰درصد بازیکنانی که پدران مشهور و موفقی داشته‌اند، نتوانند در فوتبال ایران موفق شوند. البته این تنها مشکل این فوتبالیست‌ها نیست. آنها علاوه بر این که همواره از طرف مردم و رسانه‌ها با پدران خود مقایسه می‌شوند، با رسانه‌ها هم طرف هستند. معمولاً رسانه‌ها بدون این‌که شناختی از کیفیت این بچه‌ها داشته‌باشند، ادعا می‌کنند آنها فقط با پارتی بازی و به خاطر پدران خود توانسته‌اند فوتبالیست شوند که همین موضوع هم از نظر روحی یک فوتبالیست را نابود می‌کند.» آیا درباره ناصر حجازی هم همین موضوع صدق می‌کند که آتیلا را صرفاً به خاطر این‌که پسرشش بوده به استقلال برد؟ حجازی به این سوال پاسخ می‌دهد: «با اطمینان کامل به شما جواب می‌دهم که خیر. تمام اهالی فوتبال ناصر حجازی را می‌شناسند و از خصوصیات او آگاهی نید که بخواهد به دیگران باج دهد حتی به پسر خودش. مطمئن باشید اگر من استعداد فوتبالی نداشتم، هرگز پدرم اجازه نمی‌داد وارد محل تمرین استقلال شوم چه برسد به این‌که برای این تیم فیکس بازی کنم. این حرف‌ها که می‌گفتند حجازی برای پسرش پارتی بازی کرده، دست‌نوازی مخالفان پدرم بود تا وجهه او را خراب کنند که خدا را شکر ناموفق بودند. پدرم هرگز حاضر نبود ابروی خود را به خاطر بازی دادن من زیر سوال ببرد.»

پدرم هرگز برای فوتبالیست شدن من لابی نکرد

اردلان آشتیانی: تست دادم، رقم پر سپولیس



اردلان آشتیانی، پسر مرحوم ابراهیم آشتیانی در سال ۸۰ به عضویت پرسپولیس درآمد. او به عنوان هافبک کناری برای پرسپولیس به میدان رفت. عملکرد اردلان آشتیانی هیچ شباهتی به پدرش نداشت و به همین دلیل نتوانست در بین هواداران پرسپولیس به محبوبیت برسد. اردلان آشتیانی بعد از جدایی از پرسپولیس در تیم‌های هما، داماش و کاوه تهران به میدان رفت و خیلی‌و زد کفش هایش را آویخت. او هم یکی از فوتبالیست‌هایی بود که نتوانست خاطرات پدرش را که از بهترین بازیکنان شاهین و پرسپولیس بودن زنده کند. آشتیانی درباره این‌که چطور توانست به پرسپولیس برود، به «شهرود» می‌گوید: «من بعد از این‌که در تمرین پرسپولیس تست دادم و قبول شدم، به عضویت این تیم در آمدم. باور نکند حضور من در پرسپولیس هیچ ارتباطی به پدرم نداشت و این‌طور نبود که چون پدرم فوتبالیست و ستاره پرسپولیس بوده به این تیم رفته باشم. من برای حضور در پرسپولیس از استعداد خودم استفاده کردم و هیچ لابی یا پارتی بازی برای بازی کردن در این تیم نداشتم. من اگر هم لابی به پرسپولیس رسیده بودم نمی‌توانستم دوسال در این تیم دوام بیاورم و ۳۰بازی انجام بدهم.» وی ادامه می‌دهد: «فشار روانی زیادی روی بازیکنانی وجود دارد که پدران فوتبالیست‌دارند. همه از این بازیکنان انتظار دارند در حالی که تازه فوتبال خود را آغاز کرده‌اند، خاطرات پدران خود را زنده کنند و واقعا چنین انتظاری تأثیر بسیار بد منفی‌ای روی این بازیکنان می‌گذارد چون مردم انتظار دارند چنین بازیکنانی خود را از زیر سایه نام پدر پیر بکشند و از آنها بهتر باشند. این انتظارات کار را برای بازیکنی که پدرش ستاره بوده سخت‌تر می‌کند اما آنهایی که با هیچ‌کس مقایسه نمی‌شوند شرایط بسیار بهتری برای پیشرفت دارند.» آشتیانی می‌گوید همان موقعی که برای پرسپولیس بازی می‌کرده یکی از پیشکسوتان این تیم علیه او مصاحبه کرده بود: «من زمانی که برای پرسپولیس بازی می‌کردم کیفیت فوتبال ام مثل بقیه بود. یادمی‌آید همان موقع یکی از پیشکسوتان پرسپولیس علیه من مصاحبه کرد و گفت با پارتی بازی ولایتی پدرم به پرسپولیس پیوستم. این در حالی است که آن زمان پدرم هیچ سمتی در پرسپولیس نداشت.» آشتیانی درباره خداحافظی از فوتبال می‌گوید: «وقتی برای کاوه به میدان رفتم باقم پارگی رباط صلیبی روبرو شدم. مصدومیتم خیلی شدید بود و الان هم با آن درگیر هستم. در آن زمان ۳۰ساله بودم و برای بهبود مصدومیتم به ۳سال زمان نیاز داشتم. بعد از آن سال هم دیگر نمی‌توانستم به فوتبال برگردم. در واقع همان زمانی که از پرسپولیس جدا شدم، فهمیدم کار فوتبال تمام شده و دیگر نمی‌توانم بر گردم.»

برای بازی در امارات پیشنهاد تغییر ملیت دریافت کردم

سجاد پنجعلی: می‌ترسیدند به پسر پنجعلی فرصت دهند



نمونه‌های زیادی از فرزندان فوتبالی سراغ داریم که با کیفیت فنی نداشتند یا بر اثر یک مصدومیت از فوتبال کنار رفتند. یکی از این بازیکنان که حتی سابقه آقای گلی در لیگ جوانان را هم دارد، پسر کوچک محمد پنجعلی است. پنجعلی که به گواه اهالی فوتبال برترین مدافع آخر تاریخ فوتبال ایران است، امید زیادی به فوتبالیست شدن پسران خود داشت. سجاد پنجعلی درباره اتفاقاتی که برای او در فوتبال ایران رخ داد، می‌گوید: «من علاقه زیادی به فوتبال داشتم. پدرم از بچگی همیشه با من و برادرم فوتبال بازی می‌کرد و این ورزش ما خانواده ما حسابی اُخت شده بود. من با مقام آقای گلی در لیگ جوانان، می‌توانستم پیشرفت کنم چون می‌دانستم استعداد لازم را دارم، اما نشد که این اتفاق بیفتد. وقتی افسشین قطبی، سرمربی پرسپولیس شد، من به تمرین آن تیم رفتم و با موفقیت کار دادمی توانستم کنار تیم نمرینامر را ادامه دهم. همان موقع قطبی از من حسابی تعریف و تمجید کرد اما در نهایت از من استفاده نکرد. واقعا برای خودم هم عجیب بود که با وجود داشتن کیفیت بالا چرا نتوانستم در پرسپولیس بازی کنم. انگار می‌ترسیدند پسر محمد پنجعلی را بازی بدهند. حتماً آنها استفاده از من را برای خودشان ریسک می‌دانستند و گزینه کیفیت فوتبال من در آن سال فاصله‌ای با بازیکنان وقت پرسپولیس نداشت.» سجاد پنجعلی درباره پیشنهاد تغییر ملیت خود می‌گوید: «همان موقع بود که از طرف باشگاه الوصل برای من دعوت‌نامه آمد. به همراه پدرم به امارات رفتیم، من در تمام تست‌های باشگاه اماراتی قبول شدم و چون ۱۵ساله می‌باشم این پیشنهاد را با شناسنامه‌ای اماراتی و با تغییر ملیت در تیم ملی جوانان امارات بازی کنم. من و پدرم پیشنهاد اماراتی‌ها را قبول نکردیم و به ایران برگشتیم چون دلم نمی‌خواست ملیت خودم را تغییر دهم. من به علاقه زیادی به فوتبال داشتم اما می‌مهری‌ها و قضاوت‌ها باعث شد از این رشته دلسرد شوم و دیگر آن را ادامه ندهم.»

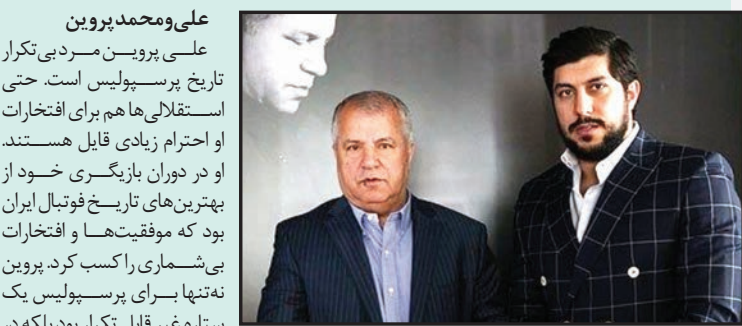
ورزش

رود به فوتبال با فشارهای زیاد

ستارگان فوتبال همیشه علاقه زیادی به وارد کردن فرزندان خود به دنیای مستطیل سبز داشته‌اند. این کار در فوتبال دنیا اتفاقی کاملاً عادی و معمول است. اگر فوتبالیست استعداد لازم را در وجود فرزندش کشف کند، او را به صورت آکادمیک با قواعد و اصول فوتبال آشنا می‌کند. بعد از آن دیگر همه چیز به خود بازیکن برمی‌گردد که می‌تواند با نشان دادن استعدادش به باشگاه‌های مطرح دنیا بپیوندد. در فوتبال اروپا اینطور نیست که صرفاً یک بازیکن به خاطر داشتن پدری مطرح در دنیای فوتبال وارد یک باشگاه شود؛ بلکه استعداد و تلاش او مهمترین عامل ورودش به مستطیل سبز است. از آنجا که هیچ کدام از قواعد فوتبال در دنیا با ایران قابل قیاس نیست، نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که فرزند ستاره سال‌های دور فوتبال مثل بقیه پسران کم سن و سال، فوتبال را از تیم‌های پایه آغاز کند. در سال‌های اخیر فرزندان تعداد زیادی از ستاره‌های فوتبال وارد تیم‌های سطح اول شدند اما تقریباً هیچ کدام از آنها نتوانستند موفقیتی حتی در حد نام پدران خود به دست بیاورند. جالب اینجاست که اسطوره‌های سسر خایی‌ها فرزندان خود را بدون تست به تیم‌هایی که خودشان در آنها سابقه بازی داشتند، می‌برند و البته همواره ه از طرف رسانه‌ها به پارتی بازی برای فرزندان خود متهم شدند. این‌که فرزندان هیچ کدام از ستاره‌های فوتبال ایران نتوانستند به موفقیت ویژه‌ای در فوتبال ایران برسند، دلایل زیادی داشته است. آنها معمولاً از طرف رسانه‌ها و اهالی فوتبال به این‌که با رانت پدر وارد تیم شدند، متهم بودند. همین موضوع باعث می‌شد زیر فشار شدید قرار بگیرند و مقایسه‌هایم با پدران شان هم بر شدت این فشار می‌افزود. در ادامه سرنوشت پدران و پسران فوتبال ایران را بررسی می‌کنیم تا مشخص شود چند نفر از آنها نتوانستند از زیر نام پدران خود خارج شده و تبدیل به شخصیتی مستقل در فوتبال ایران شوند.



ناصر و آتیلا حجازی
اسطوره فقید فوتبال ایران، خیلی‌دوست داشت پسرش هم مثل خودش نامی بزرگ در فوتبال ایران داشته باشد. ناصر حجازی که از برترین دروازه‌بانان تاریخ فوتبال ایران و دومین دروازه‌بان برتر قرن بیستم در آسیاست، در سال ۷۸ پسرش آتیلا را هم به استقلال برد. مرحوم حجازی در آن سال با بت استفاده کردن از آتیلا تحت فشار زیادی قرار داشت. منتقدان حجازی از او بابت میدان دادن به پسرش انتقاد می‌کردند و معتقد بودند آتیلا فقط به خاطر این‌که پدرش سرمربی استقلال است در این تیم حضور دارد و از کیفیت فنی بر خودار نیست. البته ناصر حجازی اهمیتی به این انتقادات نمی‌داد و آتیلا را به عنوان پالتی‌زن اول تیمش انتخاب کرد. آتیلا حجازی در حالی وارد فوتبال شد که می‌خواست مثل پدرش دروازه‌بان باشد اما با توصیه مربی (پدر)، فعالیتش در فوتبال را در پست هافبک شروع کرد. او با جدایی ناصر حجازی از استقلال به نوبه آهن و استقلال رشت رفت و از فوتبال خداحافظی کرد. آتیلا در طول دوران بازیگری خود فوتبالیستی معمولی بود اما هرگز نتوانست خود را به سطح موفقیت‌های پدرش برساند. او در تیم‌های استقلال و آلومینیوم هرگز مان هم سابقه مربیگری دارد اما این روزها کاملاً از فضای فوتبال ایران دور شده‌است.



تیم‌ملی هم تأثیر زیادی در موفقیت‌ها و قهرمانی‌ها داشت. علی پروین آن قدر در فوتبال ایران خوب بود که وقتی قرار شد پسرش را به پرسپولیس ببرد، هیچکس با او مخالفت نکرد. وقتی محمد پروین در ۱۷سالگی وارد تیم بزرگسالان پرسپولیس شد، اهالی فوتبال هیچ‌ان زده منتظر درخشش تک پسر ستاره فوتبال ایران بودند. خیلی‌ها می‌گفتند پروین حتی اگر نداشت از استعداد فوتبالی پدر خود را به ارث برده‌باشد، می‌تواند در پرسپولیس و تیم‌ملی ستاره شود. محمد پروین در سال ۸۴ به تیم بزرگسالان پرسپولیس پیوست و در ۱۷سالگی با حرکات تکنیکی خود ستاره‌های آن زمان پرسپولیس را به تمجید واداشت. آن سال‌ها محمد در دقایق کوتاهی که برای پرسپولیس بازی کرد، تحت فشار زیادی قرار داشت. خیلی‌ها انتظار داشتند او اولین تجربه خود در لیگ برتر بازیکنی باتجربه و به با کیفیت در حد پدرش باشد که محمد اینطور نبود. او با حضور در پرسپولیس حضور در دنیای حاشیه‌را هم استارت زد. برخی از پرسپولیسی‌هایی که آن زمان با محمد هم‌بازی بودند، می‌گفتند او دل به تمرینات نمی‌داد و فکر می‌کرد صرفاً به خاطر استعدادش و این‌که پسر علی پروین بوده می‌تواند موفق شود. محمد بعد از جدایی پدرش از پرسپولیس به استیل آذین رفت. پروین از ۸سال تا ۲۶سال ۲۲ عضویت ۸تیم در آمد اما کیفیت فنی بالایی را از خود به نمایش نگذاشت و فقط یک بار قفسی که در سایپا حضور داشت توسط علی دایی به تیم ملی دعوت شد و در نهایت در ۲۶سالگی از فوتبال خداحافظی کرد.



احمد رضا و امیر عابدزاده
برخی ستاره‌ها هرگز قابل تکرار نیستند، حتی توسط فرزند خودشان. یکی از این ستاره‌ها احمد رضا عابدزاده است. دروازه‌بان مقتدر فوتبال ایران که در اغلب خاطرات خوش مردم از تیم ملی در دهه ۷۰ حضور دارد. احمد رضا پسر خود را از خردسالی به محل تمریناتش می‌برد و قواعد دروازه‌بانی را به او می‌آموخت. امیر عابدزاده تصاویر زیادی از دوران کودکی خود با دستکش و لباس دروازه‌بانی دارد و شاید به همین دلیل بود که همه از او انتظار داشتند جای خالی پدرش را در فوتبال ایران پر کند. امیر که این روزها ۲۴ساله است، هنوز نتوانسته حرکت خرت‌حک‌العاده‌ای در قفس توری از خود به نمایش بگذارد. او از ۱۵سالگی به انگلستان رفت تا در یک آکدمی مخصوص دروازه‌بانی آموزش ببیند و در مدت حضورش در انگلستان به عضویت تیم‌های برنتفورد و لندن تایگر درآمد. عابدزاده کوچک بعد از حضور در لس آنجلس بلوز آمریکا به ایران برگشت تا برای پرسپولیس به میدان برود. عابدزاده کوچک در پرسپولیس تبدیل به نیمکت‌نشین محض شد و بعد از حضور در تیم بارنسه بر تعال به مار تیممو پیوست و بالاخره توسط کی‌روش به تیم ملی دعوت شد. عابدزاده سال‌های زیادی از سطح اول فوتبال دور بود و در حالی که ۲۴ساله شده، هنوز نتوانسته خود را به عنوان دروازه‌بانی مطرح و شایسته معرفی کند.

ساربین

در تاریخ فوتبال ایران فرزندان فوتبالیست‌های سرشناس دیگر هم بوده‌اند که نتوانستند خود را به سطح بالای فوتبال برسانند. آرش نوا موز، علی جاملکی، سجاد پنجعلی، علی بهزادی، اردلان آشتیانی و... بازیکنانی هستند که هر در فوتبال ایران نتوانستند مثل پدران خود درخشش ویژه داشته‌باشند.

نمونه‌های خارجی

وضعیت ستاره‌های فوتبال ایران و سرنوشت فرزندان آنها قابل قیاس با نمونه‌های اروپایی نیست. در فوتبال اروپا معمولاً فرزندان فوتبالیست‌های بزرگ راه پدران خود را می‌روند و معمولاً هم می‌توانند به موفقیت‌های زیادی دست پیدا کنند. یکی از معروف‌ترین و محبوب‌ترین فوتبالیست‌هایی که از پدرش هم در شهرت و محبوبیت جلو زد، پائولو مالدینی است. او پسر ارشد چزاره مالدینی یکی از مهمترین چهره‌های فوتبال ایتالیا است و هرگز زیر سایه نام باقی نماند. پائولو مالدینی در تمام دوران فوتبال خود در میلان حضور داشت و به همراه این تیم به تمام عناوین باشگاهی رسید. هر چند با وجود حضور در فینال جام جهانی و جام ملت‌های اروپا هرگز موفق به فتح یک جام ملی نشد. پیترا شمایلک دانمارک، دروازه‌بان افسانه‌ای منچستر یونایتد بود که دورانی رویایی در این تیم داشت. او در همان سال‌ها مشغول تربیت پسر خود کسیر شمایلک بود که این روزها دروازه‌بان اصلی تیم ملی دانمارک است. از نو زیدان، فرزند اسطوره فوتبال زین‌الدین زیدان است که این روزها به همراه پدرش در رئال مادرید حضور دارد. از نووی ۲۱ساله هنوز فرصت زیادی برای درخشش به دست نیآورده اما احتمالاً می‌رود او هم مثل پدرش ستاره‌ای بزرگ شود. لوکا زیدان، دیگر فرزند زین‌الدین زیدان هم فعلاً دروازه‌بان سوم رئال است و دنبال فرصت برای درخشش.

شایعه روز

احتمال بازگشت شفیع به ایران



خالد شفیع، مدافع ایرانی تیم فوتبال افسسی سئول کره‌جنوبی نتوانست فصل خوبی را در این تیم سپری کند. مدافع فصل گذشته تراکتورسازی را عقد قراردادی یکسال‌ونیمه به تیم افسسی سئول پیوست اما بدشانسی‌ها مانع شد او روزهای خوبی را در این تیم بگذراند. شفعی بعد از حضور در این تیم چندبار مصدوم شد و در مجموع فقط دو بار در رقابت‌های لیگ کره‌جنوبی به میدان رفت. با این‌که این مدافع ایرانی یک فصل دیگر هم با افسسی سئول قرارداد دارد اما ممکن است قراردادش را با تیم کره‌ای فسخ کرده و به ایران برگردد. شفعی در این باره می‌گوید: «با وجود این‌که فصل فوتبال در کره‌جنوبی تمام شده اما یکسال دیگر از قراردادم باقی مانده و به این قرارداد پایبند هستم. با این حال هر بازیکنی دوست دارد در تیمی باشد که بازی کند. نمی‌دانم شرایط برابم چطور پیش خواهد رفت، چون باید با مسئولان باشگاه افسسی سئول صحبت کنم و هنوز هیچ چیزی روشن نیست.» این در حالی است که شفیع وقتی به تیم کره‌ای پیوست که لیگ این کشور آغاز شده بود و این بازیکن ایرانی کار سختی برای رسیدن به ترکیب اصلی داشت.

آن سوی مرز

کمک انصاری فر دبسیلز دگان یونانی

باشگاه المپیاکوس برای کمک به سیلز دگان منطقه مندراس یونان ماشین‌های سنگین، غذا و کمک‌های نقدی ارسال کرد. سیلز شدیدی که به تازگی در منطقه تاریخی مندراس یونان آمد، بخش زیادی از مردم را بی‌خانمان کرده‌است. همین باعث شده باشگاه المپیاکوس زودتر از دولت یونان به داد مردم رسیده و بازیکنان تیم فوتبال این باشگاه نیز درصدی از حقوق و قرارداد خود را برای کمک به مردم سیلز زده و بی‌خانمان این منطقه کنار گذاشته و اختصاص داده‌اند. ارسال لودر و ماشین‌های سنگین، کمک‌های نقدی اسباب‌بازی برای کودکان و سبدهای غذایی از سوی باشگاه المپیاکوس و هواداران زیاد این باشگاه بخش قابل توجهی از مشکلات اولیه مردم را حل کرده‌است.

گل کاوه، نامزد دبرترین گل لیگ بلژیک

گل کاوه رضایی نامزد بهترین گل هفته بازی‌دهم لیگ برتر بلژیک شد. با تمام هفته بازی‌دهم لیگ برتر فوتبال بلژیک سایت nieuwsblad بلژیک ۳ گل کاندیدای بهترین گل هفته را انتخاب کرده است که گل کاوه رضایی، مهاجم ایرانی شارلوا جزو ۳ کاندیدا بود. گل هنسری اونیکورو بازیکن اندرلخت و فورمر بازیکن کلوب بروژ رقابتی گل رضایی در این هفته هستند.



کپوسک

چقدر خوبه ایگاری دی



روزنامه ایتالیایی «کوریه دلو اسپورت» بعد از برتری دو بر صفر اینتر میلان آتالانتا تیترا «چقدر خوبه این ایگاری دی!» را روی جلد برد و نوشت: «ستاره آرژانتینی محشر است؛ اینتر حالا در فاصله دوامتیازی نابولی قرار دارد.»

بارسای بی نظیر



روزنامه «موندو دپورتیوو» با تمجید از بارسلونا تیترا «بارسای بی نظیر را انتخاب کرد و در توضیح آن نوشت: «تیم‌ها و نتایج‌سیاست که با ۴ امتیاز کمتر، با شروع فوق‌العاده بارسامبارزه می‌کند، صدرنشین با ۱۰ امتیاز بیشتر نسبت به دو تیم پایتخت به مستایلی‌رود.»